

آیسلو یونوسوا^۱

امروزه موقعیت اسلام در امور اجتماعی - سیاسی جمهوری باشکورتستان چگونه است؟ تجزیه و تحلیل تاریخچه اسلام در باشکورتستان و دولت کنونی مسایلی را به ما ارائه می دهد تا راجع به ضعف سیاسی آن صحبت کنیم، جاه طلبی های سیاسی در این سرزمین وجود ندارد و هدف ایجاد یک دولت اسلامی در این جمهوری منتفی است. باشکورتستان در عمل تنها ناحیه مسلمان نشین روسیه می باشد که در آنجا اسلام به عنوان یک عامل مولد بی ثباتی سیاسی مطرح نیست. هنوز عموم مردم و محققان علوم اجتماعی به رغم عدم جاه طلبی های سیاسی و ضعف ایدئولوژیک و اقتصادی اسلام نگران هستند، اسلام به افراط شخصیت سیاسی پیدا نموده و این امر بیم ها و هراس های دیگر نظام ها را از اسلام سیاسی افزون می نماید. آمال توده مردم از اسلام در باشکورتستان بیشتر از طریق فعالیتهای بعضی رهبران مسلمان، گفتارشان و رفتارشان می باشد نه به واسطه آگاهی عمیق آنها از اسلام و تاریخ آن. گرایش برای رقابت بین رهبران مسلمان به طور کلی وقار سیاسی اسلام را تضعیف می نماید؛ در حالی که از یک طرف اسلام مؤمنان و غیرمؤمنان را به عنوان حامی درآورده از طرف دیگر رویدادهایی ایده بازگشت به ارزشهای اخلاقی و قومی اسلام را بی اعتبار می نماید.

بیشترین جمعیت مسلمانان فدراسیون روسیه در دو جمهوری قومی

تاتارستان و باشکورتستان^۲ در داخل روسیه متمرکز می باشند.

در آخرین سرشماری (۱۹۸۹)، جمعیت کل باشکورتستان ۳/۹۶۴/۰۰۰ نفر

بود. جمعیت بومی، باشقیر^۳ هستند و بیشتر از نسل قبایل گله دار ترک به عنوان

۱. پروفیسور آیسلو یونوسوا (Aislu Yunosova) استاد دانشگاه دولتی باشقیر می باشد. این مقاله برگزیده از مجموعه مقالات کتاب *Political Islam and Conflicts in Russia and Central Asia*، چاپ «مؤسسه امور بین الملل سوئد» در سال ۱۹۹۹، توسط قاسم ملکی ترجمه شده است.

2. Bashkortostan

3. Bashkirs

شاخه‌های نژادی فینو-اوگریک^۱ محسوب می‌گردند. در جمهوری باشکورتستان بیش از ۱۰۰ گروه نژادی ساکن می‌باشند. باشقیرها و تاتارها مسلمانان سنتی به حساب می‌آیند و ۵۰/۳ درصد جمعیت باشکورتستان را شامل می‌گردند؛ در حالی که مسیحیان، روس‌ها، اوکراینی‌ها و دیگر مردمان در مجموع ۴۲ درصد محاسبه شده‌اند. تاتارستان تقریباً همان درصد از مردم مسلمان و مسیحی را در خود دارد (به ترتیب ۴۸/۵ و ۴۲/۳ درصد). ترکیب مذهبی و نژادی جمهوری باشکورتستان توازن پایداری بین اسلام و مسیحیت را منعکس می‌کند که از اواسط قرن نوزدهم به‌وضوح دیده می‌شود.

تحولاتی چند به لحاظ اعتقادات در ساختار روابط در دهه گذشته روی داده که حاصل رواج و گسترش اعتقادات غیرسنتی بوده است و پیوندی از مذاهب مختلف یعنی ارتدوکس و پروتستان را ارائه می‌نمایند. نهادهای مذهبی جدید که قبلاً در باشکورتستان وجود نداشتند ۴/۹ درصد سازمانهای مذهبی جمهوری فدراسیون روسیه (۷۱۹ نهاد) را شامل می‌گردند.

روند اسلامی شدن

قدیمی‌ترین اثر باستان‌شناسی گویای پیوندهای باشکورتستان با جهان اسلام - به‌ویژه یافته‌هایی از محل حفاری لوآشوسکی^۲ (منطقه ایشمبای^۳) - مربوط به قرنهای هشتم و نهم است. یافته‌ها شامل سه درهم نقره‌ای و یک دینار طلایی از زمان خلافت امویان^۴ و عباسیان^۵ می‌باشند. یافته‌هایی که بسیار قابل تعمق و جالب می‌باشند یک دینار طلایی از سال ۷۰۶ و یک دینار نقره‌ای مربوط به سال ۷۱۲ هستند. این سکه‌ها در زمان فرمانروایی الولید اول^۶ از خلفای امویه (۹۶-۸۶ یا قرن اول هجری قمری) ضرب شده‌اند. دیگر سکه‌هایی که آنجا کشف گردیده‌اند

1. Fino - Ugric

2. Levashovsky

3. Ishimbay

4. Umayyad

5. Abbasid

6. Al-Walid I

مربوط به قرن بعد یعنی قرن دوم هجری قمری می‌باشند.

به تازگی دینار طلایی دیگری در محلی که یک زوج دفن شده بودند کشف شده است که از نظر قدمت مربوط به دوران حکمرانی عباسیان می‌باشد و در سال ۸۹۲ میلادی (سال ۲۷۹ یا قرن سوم هجری قمری) و از طرف حاکم ماوراءالنهر المهدی محمدالحسن^۱ ضرب گردیده است. محل حفاری لوآشوسکی یک گورستان قدیمی مسلمانان در جنوب باشکورتستان می‌باشد. به‌عنوان یک نظام مذهبی، اسلام کمی دیرتر یعنی در قرن دهم میلادی راهش را به باشکریا^۲ گشود. در سال ۹۲۲ میلادی یک سفیر از طرف خلیفه بغداد به نام «ابن فضلان»^۳ به پایتخت «خان نشین بلغار»^۴ رسید. در این سال (۹۲۲) بلغارها دعوت اسلام را پذیرفتند و اسلام آوردند. «ابن فضلان» همچنین در یادداشت‌های سفرش سرزمین باشقیرها را توصیف می‌نماید؛ جایی که در آنجا به‌عنوان سفیر اقامت داشته است. بر طبق نوشته‌های وی، قبایل باشقیربت‌ها را می‌پرستیدند. وقتی که اسلام در بلغار پا گرفت در باشقیریای غربی^۵ که بخشی از پادشاهی بلغار محسوب می‌شد نیز به تدریج اسلام گسترش یافت. نقش اساسی در مرحله نخست پذیرش دین اسلام از طرف قبایل باشقیر از طریق تجارت و مناسبات اقتصادی با جهان اسلام و نیز فعالیت و تبلیغ مبلغان مذهبی قابل تبیین است. در افسانه‌های باشقیرها، آنها گسترش اسلام را به بلغارها نسبت می‌دهند. نفوذ نیرومند و پُرشور دین اسلام بین باشقیرها در قرن‌های ۱۳ و ۱۴ حاکی از کاهشی واضح در شمار پیروان کفار و بت‌پرست در سرزمین باشکریا و وجود تعداد بسیاری گورستان (که افراد فوت شده را طبق دستورات اسلام تدفین نموده‌اند) می‌باشد. اسلامی شدن بیشتر باشکریا در قرن‌های ۱۳ و ۱۴ مربوط به این امر بود که بخشی از «خان نشین شاخ زرین»^۶ به حساب می‌آمد. ژولیان^۷، راهب مجارستانی که در سال ۱۲۳۶ میلادی به میان باشقیرهایی که

1. Al- Mahdi Muhammed al - Hasan

2. Bashkiria

3. Ibn Fadlan

4. Khanate of the Bulgars

5. Western Bashkiria

6. Khanate of the Golden Horde

7. Julian

به انقیاد مغول‌ها درآمده بودند رفت در نوشته‌هایش به یک خان باشقیر که به‌طور تعصب‌آمیزی شیفتهٔ اسلام بود اشاره می‌نماید.

بنابه ادعای ولیداف^۱ نه تنها خان‌های باشقیر بلکه همچنین سربازان صف باشقیر در دورهٔ تسلط مغول‌ها بر مسلمانان در خدمت خان‌نشین شاخ زرین بودند.

تحت حکمفرمایی از یک خان^۲ (که در سالهای ۱۳۴۲-۱۳۱۲ میلادی حاکم بود)، اسلام به‌عنوان دین رسمی خان‌نشین شاخ زرین درآمد. در اثنای حاکمیت از یک خان، مبلغان مسلمان بلغارهایی را که به‌عنوان مأمور به سرزمین باشقیر فرستاده شده بودند آموزش دادند. آکادمیسین «آر.جی. کوزیف»^۳ می‌نویسد که گورهای بیش از ۲۰ مبلغ مسلمان در دره‌های رودخانه‌های باشقیریای غربی - بلایا^۴، اورشاکا^۵، دیوما^۶، چرماسانا^۷، ایکا^۸ - یافت شده بودند. مبلغان مذهبی نه تنها از بلغار بلکه از بخارا، کوکند^۹، و حتی بغداد برای دعوت باشقیرها به اسلام به این سرزمین آمدند.

تا قرن ۱۶ هجری، اسلام به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی مردم باشقیر درآمده بود که حفظ آن مشروط به تدارک قراردادهایی برای رضایت مسکو بود تا قبایل باشقیر به‌طور داوطلبانه در «مسکوی»^{۱۰} مرکز امپراتوری تزاری پذیرفته گردند. تزار ایوان مخوف^{۱۱} به خواستهٔ باشقیرها مبنی بر به رسمیت شناختن اسلام توجه مثبت نمود. شجره‌نامه‌ها^{۱۲} و گاه‌شمارهای قبیلهٔ باشقیر که «یورمات»^{۱۳} خوانده می‌شوند مبنی بر این می‌باشند که باشقیرها وقتی تبعه‌های دولت تزار سفید شدند که تزار طی پیامهایی به مردم اطمینان داد که هیچ‌کس نمی‌بایست فرار

1. A.Z. Validov

3. R.G. Kuzeyev

5. Urshaka

7. Chermasana

9. Kokand

11. Tsar Ivan the Terrible

13. Yurmats

2. Uzbek Khan

4. Belaya

6. Dyoma

8. Ika

10. Muskovy

12. Shezher (Chronicles)

کند یا پنهان شود بلکه می‌بایست آزادانه و به‌طور آشکار اعمال مذهبی خود را بجا آورد. گام‌شمار و وقایع‌نامه‌های قبایل اوزرگان^۱، تامیان^۲، کیپ‌ساک^۳ و بورزیان^۴ گویای این امر می‌باشند که تزار ایوان مخوف قول داد و خود را متعهد نمود که هرگز به دین دیگری از جمله اسلام که باشقیرها به آن ایمان آورده باشند فشار وارد ننماید.

باشقیرها به‌طور داوطلبانه تبعه روسیه شدند و بدین لحاظ اسلام را حفظ کردند و از تغییر اجباری دین و عقیده به مسیحیت اجتناب نمودند. در همان زمان که باشقیرها و تاتارهای ولگا جزو دولت روسیه به حساب می‌آمدند مشخص بود که شماری از ویژگی‌ها و موارد خاص در مقابل توسعه اسلام در داخل روسیه مطرح بودند. برای مثال، اسلام از حاکمیت دولتی جدا بود. در دو جمهوری، اسلام مطرح شده و در داخل یک دولت ارتدوکس نشو و نما نمود؛ به‌نحوی که اسلام روسی اساساً با اسلامی که در جهان مسلمان رایج بود کاملاً تفاوت داشت. ویژگی منحصر به فرد دیگر اینکه مقررات و اصول سنتی اقتصادی در جوامع اسلامی (از قبیل وقف) در روسیه گسترده نیست. شرایط حاکم در روسیه در قرن‌های ۱۶ تا ۱۸ برای توسعه نهاد وقف مناسب نبودند. پس از تصرف و در اختیار گرفتن کازان^۵ و آستراخان^۶ به‌طور خشونت‌آمیز، مسیحی نمودن تاتارها و ویرانی مساجد در منطقه ولگا آغاز گشت. مبارزه علیه اسلام با تأمین و تدارک بعضی از مزیت‌ها و حقوق ویژه برای تاتارهای مسیحی همراه بود. سپس قوانین مصوب تصرف زمینهای پیروان ادیان مختلف، شامل مسلمانان و کسانی که جدیداً مسیحی شده بودند را جایز شمرد: «... و آن سرزمینهایی که از تاتارها و موردوین‌ها^۷ برای استقرار روس‌ها باید مصادره گردند و تحویل آنها شوند... و شاهزاده‌ها و میرزاها^۸، تاتارها، موردوین‌ها، چواش^۹، چرمیس^{۱۰}، و

1. Usergan
3. Kypsak
5. Kazan
7. Mordvins
9. Chuvash

2. Tamyar
4. Burzyan
6. Astrakhan
8. mirzas
10. Cheremis

وتیاک‌ها^۱ که به مذهب ارتدوکس تغییر مذهب می‌دهند، سرزمینهای آنها نمی‌بایست تصرف شود»^(۱).

تزار الکسی میخائیلویچ^۲ از طریق سلسله اقدامات خود تحت عنوان اوکاس^۳ در ۱۶۸۱-۱۶۸۰ عناوین شاهزادگی و مستمری‌های خویش را به تزارهایی که غسل تعمید داده شدند تفویض کرد و پرداخت.^(۲) دارایی وقف مسلمانان، به‌ویژه در شکل زمین، در منطقه مورد اعتراض نبود وقتی که مردمان پیرو ادیان دیگر در حال مسیحی شدن بودند. همچنین، شورش‌ها با مجازات‌های اقتصادی علیه مسلمانان سرکوب می‌شدند و مالکیت مؤسسات اقتصادی مسلمانان ممنوع اعلام می‌گشت.

به‌دنبال سرکوب شورش ۱۷۱۱-۱۷۰۵ باشقیرها، دولت برای مساجد مالیات‌هایی وضع کرد. در آن دوره مساجد می‌بایست مقرری‌هایی به خزانه پرداخت کنند تا مسلمانان مجاز باشند عبادات و مناسک مذهبی خود را به‌جا آورند.^(۳) به لحاظ مشارکت باشقیرها در شورش، حقوق و امتیازات روحانیون باشقیر کاسته و محدود شد.

به‌طور مشخص، روحانیون باشقیر نمی‌توانستند به‌طور شخصی مالک زمین باشند. فقط آن روحانیونی از مردمان مشچر^۴ مجاز و مُحق برای خرید زمین بودند که در سرکوب شورش‌ها همکاری می‌نمودند.^(۴)

وقتی که مجمع دینی مسلمانان^۵ در سال ۱۷۸۹ در اورنبورگ^۶ بنیاد گردید وظایف و حقوق روحانیون توسعه یافت. در وضعیت مالکیت روحانیون رسمی طی قرن نوزدهم بهبود ایجاد شد، اما قانون همطرازی روابط کالا-پول و تولید در مناطق روستایی باشقیر امکان عبادات بسیار زیاد روحانیون به‌ویژه به صورت پول را غیرممکن ساخت.

1. Votyaks

2. Alexei Mikhailovich

3. Ukase

4. Mashcher

5. Muslim Spiritual Assembly

6. Orenburg

با این حال، روشن است که روحانیون به‌عنوان بخشی مرفه از جامعهٔ باشقیر به حساب می‌آمدند. نشانه‌ای مبنی بر وقف - شامل زمین مغازه، کارگاه‌های در مالکیت نهادهای مسلمانان - در مناطق روستایی باشقیر وجود ندارد. پس از اصلاحات، به‌موازات توسعهٔ سرمایه‌داری، نهادهای دینی در اوفا^۱، استرلیتوماک^۲ و چلیابینسک^۳ حیطهٔ مالکیت خود را به مغازه‌ها، کارگاه‌ها و زمینهای کوچک تسری دادند. بسیاری از مساجد از پول حاصل از مالکیت‌های شخصی ساخته شدند. مجال دادن به نهادهای اسلامی در باشکریا «و در روسیه به‌طور کلی» تا اواخر قرن ۱۹ روشن بود. این زمان برای تلقی کردن این رویه به‌عنوان یک نظام خیلی دیر است، اما حتی در آن دوره موارد کمی وقف عمده در باشکریا مشاهده می‌شد. فقط مساجد و مدرسه‌ها عموماً به‌عنوان وقف در باشکریا در نظر گرفته می‌شد؛ اما اینکه این امر مفید واقع می‌گشت مورد تردید بود. در آن زمان، هر مدرسه مذهبی در آسیای مرکزی از درآمد‌های حاصل از اموال وقف ۴۳۹ روبل دریافت می‌کرد.^(۵) این امر نیز اهمیت اساسی داشت که اموال وقفی مسلمانان در داخل روسیه شامل مالکیت‌های کشاورزی نمی‌گشت. امروزه، وقف‌ها فقط شامل ساختمانهای مدرسه و مسجد می‌باشند. سازمانهای اقتصادی سودده (شمار بسیاری از نهادهای تجاری و بازرگانی در تشکل‌های مختلف ثبت شده بودند) در مالکیت افراد واقف نیستند. بعضی از هیأت‌ها و تشکل‌های دینی بنیانگذار فعالیت‌های بازرگانی هستند، اما این امر صرفاً به مؤسسات مذهبی محدود نمی‌شود. با این حال، جمعیت‌های مذهبی امروزی مالکیت‌هایی را صاحب نیستند که در جهت سودآوری باشد. «ادارهٔ مرکزی دینی مسلمانان روسیه»^۴ فقط یک چاپخانه، ساختمان اداره، مسجد مفتی^۵، مسجد جامع لیالیا - تیولپان^۶ و «مؤسسه اسلامی آر. فخرالدین»^۷ را مالک است.

1. Ufa

2. Sterlitomak

3. Chelyabinsk

4. Central Spiritual Board of Russia's Muslims

5. The *mufti* Mosque

6. The Cathedral Mosque Lyalya - Tyulpan

7. R. Fakhretdin Islamic Institute

سنت‌های اسلامی امروز

ضعف ایدئولوژیک اسلامی در روسیه نیز آشکار است. امروزه، اسلام در روسیه در میان آن مردمانی رایج است که کمتر راجع به اسلام، احکام اسلامی، سنت‌ها و مناسک می‌دانند و این امر به واسطهٔ پوچ‌گرایی، جدایی مذهب از سیاست و دوری از مذهب طی سالهای گذشته حاصل شده است. واضح است به واسطهٔ مشکلات ارتباط و ملاقات با افراد مذهبی، محققان و دانشمندان از کشورهای مسلمان، بیشتر مسلمانان در روسیه در مورد تاریخ، رسوم، تشریفات و مناسک اسلام بی‌اطلاع‌اند. در بهترین حالت، مسلمانان روسیه یک یا دو دعا را یاد دارند. با توجه به این واقعیت، مبلغان مسلمان، معلمان مسلمان و ماجراجویان مسلمان از کشورهای ترکیه، عربستان سعودی، مصر و پاکستان دور هم جمع می‌شوند. بعضی رهبران مسلمان روسیه، ترکیه را به‌عنوان الگویی برای پیشرفت یک دولت غیرمذهبی مطرح می‌نمایند و دیگران عربستان سعودی را به‌عنوان محافظی از اسلام ارتدوکس توضیح می‌دهند. از این رو در پاسخ به سؤال آیا اسلام یک ایدئولوژی مسلط و غالب بین مسلمانان قبل از دوران الحاد انعطاف‌ناپذیر بود؟ می‌توان گفت تمامی محققان برآنند که حتی اگر مردمان ترک روسیه نُرْمهای اخلاقی - قانونی و سنت‌های فرهنگی مسلمانان را می‌پذیرفتند آنها به‌طور کامل عقاید و عادات اسلامی سابق خود را رها نمی‌نمودند.

با توجه به تاریخ باشکریا، قوم‌شناسان قرن نوزدهم تأکید و اصرار دارند که باشقیرها عناصر و عوامل کافر بودن را در باورها و عقایدشان حفظ کردند و به موازات مبلغان مذهبی نقشی بزرگ به‌عنوان طالع‌بین، جادوگر و ساحر نیز ایفا می‌کردند در حالی که این مبلغان به مانند کشیش‌ها یا کاهن‌ها عمل نکردند. (۶)

همچنین مطالعات امروزهٔ قوم‌شناسان حضور برخی عناصر از مکاتب فکری مُشرک را در زندگی روزانه آنها نشان می‌دهند. زبان‌شناسان از وجود یک فرهنگ لغت قابل ملاحظه و وسیع راجع به مسایل مربوط به سحر و جادو در زبان محاوره‌ای باشقیرهای معاصر صحبت می‌کنند. (۷)

آثار و نشانه‌های عقاید قدیمی باشقیرها در اسامی محلی باشکورتستان حفظ شده بود و در آنجا شمار بسیاری از خاندان قدیمی، افسانه‌ای، معتقد به دیوشناسی و اقوام گوناگون خداپرست در این سرزمین وجود دارند. بر مبنای نظر ام. عثمانووا^۱ اصطلاحات و عبارات مربوط به خداپرستی در حوزه رودخانه ساکمار^۲ با تغییرات گوناگون بسیار هستند. از جمله دره‌اژدها^۳، تنگه‌اژدها^۴، کوه شیطان^۵، چاه شیطان^۶، دریاچه غول^۷، کوه پلید صفت^۸ - به موازات بسیاری از مکان‌ها که با ترکیب جادوگران، ساحران، روح پلید شیطان نامگذاری شده‌اند.

همچنین در دیگر نواحی اطراف باشکورتستان، تپه‌ها، بیشه‌ها، صخره‌ها و نهرهایی وجود دارند که نامشان به همراه کلمه (مقدس، حضرت)^۹ ذکر می‌گردند.^(۸) نام‌های بعضی از مکانهاگویای پیوند با مراسم و تشریفات قربانی نمودن است. چندین تپه به نامهای کوربان تو^{۱۰} و کورمان تو^{۱۱} خوانده می‌شوند؛ ناحیه گافوریسکی^{۱۲} و ناحیه کوواندیکسکی^{۱۳} از استان اورنبورگ^{۱۴}. شاخص‌ترین عنصر تفکر دینی قدیم که امروزه در افکار و اعمال باشقیرها مشاهده می‌گردد زیارت نمودن اماکن مقدس می‌باشد. چند روستا و محل زیارتی در باشکورتستان وجود دارند. این اماکن زیارتی به‌ویژه در نواحی داوولکانوسکی^{۱۵} و السیوسکی^{۱۶} هستند. در ایام جشنهای مسلمانان، مردم از روستاهای دور دست هنوز برای زیارت مقبره «ایشان غفار»^{۱۷} واقع در نزدیکی دهکده تیماش^{۱۸} در ناحیه داوولکانوسکی (متوفی در ۱۸۱۹ میلادی) به این روستا می‌روند. این مقبره خوب مواظبت می‌شود، مردم به‌طور مرتب حصار آن را رنگ کرده و مرمت

1. M. Usmanova

3. Dragon's Dale

5. Devil's Mountain

7. Ogre's Lake

9. Saint

11. Kurmantau

13. Kuvandykskiy rayon

15. Davlekanovskiy

17. Ishan Yagafar

2. Sakmar

4. Dragon's Ravine

6. Devil's Well

8. Evil Spirit's Mountain

10. Kurbantau

12. Gafuriyskiy rayon

14. Orenburg Oblast

16. Al'sheyevskiy

18. Timash

می‌نمایند و درختان آن محوطه را که مقدس می‌پندارند آبیاری می‌نمایند.^(۹) همچنین، مقبره مقدس دیگر در ناحیه داوولکانوسکی نزدیک دهکده کارانای^۱ در جنوب شرقی یرکتاو^۲ قرار دارد. کسی نمی‌داند او چه زمانی دفن شده است، اما مقبره به‌طور دائم نگهداری و مواظبت می‌شود و مردم مسلمان در اعیادشان آن را زیارت می‌نمایند.^(۱۰) جالب است که به هنگام زیارت قبور مقدس متعلق به نیاکان باشقیرها، آنها با شوق و غیرت بسیار خداوند را به جهت شفاعت و کمک، نیایش می‌نمایند. باید توجه داشت که جهت رضایت خداوند متعال، باشقیرها اغلب ذکر «خدایی»^۳ و روح خداوندی^۴ (چنانکه بین مردمان ترک رایج است) می‌خوانند. همزمان با خواندن نام الله لفظ تنگری^۵ یعنی خدای اصلی باشقیرهای باستان نیز ذکر می‌گردد. یک چنین انتخاب و رویه اسطوره‌ای - مذهبی معمولاً به صورت عنصر شخصیتی بسیاری از افرادی می‌گردد که اسلام را پذیرفته‌اند و این امر توسط محققان روسی به‌طور مفصل تفسیر و تبیین گردیده است.^(۱۱)

بعضی محققان می‌اندیشند یک روندی از اعاده بت پرستی در میان مردمان منطقه ولگا - اورال همراه با ماری باستان^۶، بازسازی معابد غیر مسیحی اودمورت^۷ و برپایی مجدد اجتماعات مشاهده می‌گردد.

ما علاقه‌مندیم در باشکریا چه روی دهد؟
 موارد سه‌گانه زیر یک توجه و تمرکز بسیار زیاد ولی غیر معمول مربوط به گذشته یعنی دوره‌های قبل از اسلام تاریخ باشکریا را نشان می‌دهد:

۱. در اوایل دهه ۱۹۹۰ شاهد برگزاری همایش‌هایی در سراسر جمهوری متشکل از قبایل تامیان^۸، یورمات^۹، تابین^{۱۰} و دیگران بودیم و معمولاً رؤسای قبایل از میان روشنفکران

1. Karanay
 3. Khudai
 5. Tengri
 7. Udmurt
 9. Yurmats

2. Mt Yerektau
 4. Spirit of the heaven
 6. Ancient Mari
 8. Tamyans
 10. Tabyns

باشقیر، شاعران و نویسندگان باشقیر (الفتیخ^۱ - رشید شکور^۲) انتخاب شدند. عملکردهای امروزه آنها به شفافی اهداف اعلام شده رسمی کنگره‌ها نیست. آنها معمولاً فعالیت‌های خود را به برنامه‌های فرهنگی و علائم ظاهری باشقیرها و طوایفشان اختصاص می‌دادند (تامگا^۳، نشان قبیله^۴، ورد^۵، درخت و غیره).

۲. تبلیغات شدیدی از طریق رسانه‌های عمومی توسط صلوات گالیاموف^۶ انجام شد. در حالی که آنها به بحث‌هایی در مورد موضوعات و درک عمومی تمایل نشان نمی‌دهند؛ ولی شدیداً مؤثر و برانگیزنده احساسات می‌باشند. از جمله آثار مکتوب صلوات گالیاموف شامل اسطوره اورال با ۴۰۰۰ سال قدمت^۷، چاپ در مجله شونکار^۸ و خان‌بن کبیر^۹ چاپ توسط ناشران باشکورتستان^{۱۰} همراه با مقدمه‌هایی از طرف محققان و مورخان مشهور باشقیر چاپ شده‌اند؛ محققانی که چشمان خود را برای ملاحظه نکردن موضوعات علمی بسته‌اند تا آنکه نشان دهند تاریخ باشقیر خیلی قدیمی‌تر از آن چیزی است که اعلام می‌گردد. همچنین، آثار بعضی از مورخان حرفه‌ای تمایل دارند تا تاریخ باشقیر را بسیار گسترش داده و در مورد اهمیت فرهنگ پیش از اسلام باشقیر مبالغه کنند.

۳. هنرمندان جدید نیز به تاریخ قبل از اسلام باشقیرها علاقه بسیار نشان می‌دهند. ایده احیا و رواج دوباره سنت‌های کهن قبیله‌ای از اصول آثار هنری هنرمند باشقیر اف. یرگالیف^{۱۱} است که در «دوره کیپچاکس^{۱۲}» به منصف ظهور درآمده است. همچنین این امر در آثار آی. تسوکماکیف^{۱۳}، آر. مینی‌بایف^{۱۴}، اف. نوری آخمتف^{۱۵} و دیگران به وضوح تبیین

1. Al- Fatikh

3. Tamga

5. Slogan

7. The Ural - Batter Epic is 4000 Years Old

9. The Great Khan Ben

11. F. Yergaliyev

13. I.Tukmakayev

15. F. Nuriakhmetov

2. Rashid- Shakur

4. Clan Totem

6. Salavat Gullyamov

8. The Shonkar magazine

10. Bashkortostan Publishers

12. The Kipchaks Cycle

14. R.Minnibayev

گردیده است. (۱۲)

سه مورد بالا در پی اثبات این ادعا می‌باشد تا ثابت کند که تمدن باشقیر بسیار قدیمی و مشهور بوده و پیش‌بینی می‌نماید که اسلام در سرزمین باشقیر تعیین‌کننده و کنترل‌کننده اصلی و مؤثر افکار عمومی نیست و تمدن قبل از اسلام باشقیر در آینده بر آگاهی و شناخت مردمان باشقیر بیشتر اثر خواهد گذاشت.

نقش اسلام در مسایل سیاسی

در مورد نقش اسلام در باشکورتستان به روشنی ضرورت دارد که در ذهنمان باشد که اسلام در روابط سیاسی، اقتصادی یا ایدئولوژیک هرگز نقش مسلط و غالب نداشته است. این موضوع سؤال زیر را مطرح می‌نماید:

امروزه موقعیت اسلام در امور اجتماعی - سیاسی جمهوری باشکورتستان چگونه است؟ تجزیه و تحلیل تاریخچه اسلام در باشکورتستان و دولت کنونی مسایلی را به ما ارائه می‌دهد تا راجع به ضعف سیاسی آن صحبت کنیم، جاه‌طلبی‌های سیاسی در این سرزمین وجود ندارد و هدف ایجاد یک دولت اسلامی در این جمهوری منتفی است. باشکورتستان در عمل تنها ناحیه مسلمان‌نشین روسیه می‌باشد که در آنجا اسلام به عنوان یک عامل مولد بی‌ثباتی سیاسی مطرح نیست.

هنوز عموم مردم و محققان علوم اجتماعی به‌رغم عدم جاه‌طلبی‌های سیاسی و ضعف ایدئولوژیک و اقتصادی اسلام نگران هستند، اسلام به افراط شخصیت سیاسی پیدا نموده و این امر بیم‌ها و هراس‌های دیگر نظام‌ها را از اسلام سیاسی افزون می‌نماید. آمال توده مردم از اسلام در باشکورتستان بیشتر از طریق فعالیتهای بعضی رهبران مسلمان، گفتارشان و رفتارشان می‌باشد نه به واسطه آگاهی عمیق آنها از اسلام و تاریخ آن. در جامعه عکس‌العمل قوی در مقابل

طرفداران مفتی طلعت تاج‌الدین^۱ به عمل آمد که بعضی از این عکس‌العمل‌ها به عنوان پیش‌زمینه‌ای برابر تمرکززدایی در جامعه مسلمانان روسیه بود. شکاف بین روحانیون مسلمان و تغییر شکل بندی ادارات ملی و سرزمینی مفتیان که تشدید مبارزه را منعکس می‌نمود، در شرایط آزادی بعد از پرسترویکا، دایره فعالیتشان برای نفوذ بر چند یا دیگر رهبران اسلامی را گسترده کرد. در زمان تلاش برای برکناری طلعت تاج‌الدین در نوامبر ۱۹۹۴ این امر کاملاً مشهود بود.

گرایش برای رقابت بین رهبران مسلمان به‌طور کلی وقار سیاسی اسلام را تضعیف می‌نماید؛ در حالی که از یک طرف اسلام مؤمنان و غیر مؤمنان را به عنوان حامی درآورده از طرف دیگر رویدادهایی ایده بازگشت به ارزشهای اخلاقی و قومی اسلام را بی‌اعتبار می‌نماید.

همچنین، ندهایی در لوای ایدئولوژی اسلامی شنیده می‌شود مبنی بر اینکه اسلام به‌عنوان وسایلی برای به حرکت واداشتن توده‌های مردم به فعالیت‌های سیاسی از یک طرف و به عنوان قربانی روسی شدن و کمونیسم از طرف دیگر معرفی می‌گردد. لازم به ذکر است که نقش یک سمبل در طرح‌های ملی‌گرایی یا به‌منظور جاه‌طلبی‌های سیاسی یک فرد به اسلام واگذار شده است. (۱۳)

در همان هنگام احزاب سیاسی - اجتماعی و جنبش‌های فراگیر مسلمانان در منطقه در حال شکل‌گیری‌اند. در دسامبر ۱۹۹۵ انتخابات برای دومای دولتی به وضوح تمایل به استفاده از اسلام را به‌عنوان ابزاری جهت مبارزه سیاسی نشان داد. به‌طور مختصر، قبل از انتخابات دو جنبش سیاسی - اجتماعی مسلمانان موجودیت خود را اعلام نمودند (اتحاد مسلمانان روسیه^۲ - پرتو^۳).

اولین کنفرانس اتحادیه مسلمانان روسیه در شهر سیبای^۴ باشکورتستان در اوت ۱۹۹۵

1. Mufti Talgat Tajuddin

2. The Union of Muslims of Russia (UMR)

3. NUR

4. Sibay

با حضور نمایندگان مسکو، ناحیه ولگا، سیریا^۱، قفقاز، جمهوری باشکورتستان (در جمهوری شاخه‌ای از اتحادیه مسلمانان روسیه ایجاد شد که از طرف ریم نیازگولوف^۲ رئیس سابق موزه محلی قومی، که به تازگی تغییر کیش داده و به اتحادیه مسلمانان باشکورتستان پیوسته اداره می‌گردد)، داغستان، اینگوش^۳، تاتارستان و چین تشکیل شد. با وجود گستردگی و وسعت بسیار مناطقی که بیان شد حضور شرکت‌کنندگان ضعیف بود و بسیاری از آنها که دعوت شده بودند از جمله اشخاص فرهنگی مشهور چون محمود اسامبایف^۴ و مراد کازلیف^۵ غایب بودند و به سببای نیامدند.^(۱۴) این کنفرانس، برنامه جنبش را تصویب نمود؛ اما در رأس دستور کار کنفرانس بحث فهرست نامزدهای نمایندگان دومای دولتی روسیه مطرح بود. به رغم موفقیت مسلمانان در انتخابات که قبلاً از طرف احمد خالیتف^۶ دبیرکل اتحادیه مسلمانان روسیه پیش‌بینی شده بود (پیروزی ما مثل پیروزی ۱۹۹۳ غیر قابل پیش‌بینی است). اتحادیه حتی قادر نبود که حامیان خود را به‌طور کامل جهت انطباق در انتخابات مطرح‌بنماید.

در میان ۴۳ حزب و جنبش رقیب در انتخابات ۱۷ دسامبر ۱۹۹۵ جنبش سیاسی - اجتماعی مسلمانان NUR نیز شرکت نمود ولی کمتر از ۱ درصد از رأی‌ها را نصیب خود نمود. جنبش باشکورتستان غریب^۷ که از طریق وسایل ارتباط جمعی بین مسلمانان مناطق مختلف شناسانده شده بود بر کمترین میزان از آرای داده شده به NUR (۳۵/۳۱۷ یعنی ۱/۲۵ درصد) محاسبه و تکیه نمود.^(۱۵)

ریم نیازگولوف رهبر اتحادیه مسلمانان باشکورتستان دوبار برای اشغال کرسی اعمال قدرت تلاش نمود. در ژوئن ۱۹۹۸، او برای به‌دست آوردن ریاست باشکورتستان خود را نامزد نمود ولی به‌واسطه به‌دست نیاموردن رأی کافی شکست خورد. در مارس ۱۹۹۹، نیازگولوف تلاش

1. Siberia

2. Rim Niyazgulov

3. Ingushetia

4. Mumad Kazhlayev

5. Murd Kazhlayev

6. Akhmet Khalitov

7. Curiously Bashkortostan

کرد در مجلس مقننهٔ باشکورتستان خود را به عنوان نامزد اتحادیهٔ مسلمانان باشکورتستان در حوزهٔ انتخاباتی زلنورشچینسکی^۱ معرفی نماید و با ۴/۹ درصد آرای اضافی برنده شد. جنبش فوق‌الذکر چند ده عضو دارد. با این حال، نتایج انتخابات و مشارکت کم جنبش هر دو گویای این امر است که نیازگلوب به هیچ‌وجه شانس پیروزی سیاسی ندارد. پایه‌گذاری و بنیاد جنبش‌های مختلف مسلمان - اتحادیه مسلمانان باشکورتستان، NUR باشکورتستان، اتحادیه جوانان مسلمان - از طرف رهبران مذهبی جمهوری حمایت نمی‌گردد. مفتی‌ها در ضمن اظهاراتشان مسلمانان را به وحدت می‌خوانند نه آنکه در سازمانهایی از قبیل ذکر شده در بالا متحد شوند؛ بلکه بر وحدت در «حزب‌الله» تأکید دارند. کشیش‌های معمولی بیشتر نسبت به این امر بی‌تفاوت می‌باشند، ظاهراً به علت این واقعیت که فعالیتهای سیاسی و عمومی این جنبش‌ها در اوفاف^۲ در شکل‌های ابتدایی و نخستین خود هستند و مسلمانان در مناطق روستایی هرگز این‌طور نمی‌اندیشند که چنین جنبش‌هایی دوام داشته باشند. مراجعه به آرای عمومی راجع به رهبران مسلمان باشقیر به نویسندۀ این سطور در مارس ۱۹۹۷ نشان داد که بیشترین آنها نسبت به سیاست بی‌تفاوتند. آنها به سؤال «آیا یک حزب سیاسی مسلمانان یا یک انجمن مسلمانان در دومای دولتی باید باشد» جواب منفی یا ممتنع می‌دهند. بسیاری می‌گویند «بلی»؛ اما سپس روشن می‌گردد که آنها در فکرشان حزبی را در نظر ندارند مگر CPSU.

در واقع آشنایی‌های سیاسی مسلمانان امروز بسیار قابل توجه است. حامیان اسلام در داخل روسیه احزاب غیرمذهبی یا مذهبی را انتخاب نمی‌کنند؛ بلکه انتخاب آنها بین «کمونیسم» و «اقتصاد بازار» است. در باشکورتستان و تاتارستان در ضمن انتخابات ریاست جمهوری در ژوئن و ژولای ۱۹۹۶ یک موقعیت دوگانه شکل گرفت. بیشتر مناطق روستایی در این جمهوری‌ها که بیشترین محدودیت‌ها را در سالهای حاکمیت اتحاد شوروی و سلطۀ نظام غیرمذهبی بلامنازع تحمل نمودند در اولین دور انتخابات به کمونیست‌های حزب زیگانوف رأی دادند.

1. Zelenoroshcinsky

2. Ufa

فقط در دور دوم انتخابات بود که اولیای امور باشکور تستان به نفع پیروزی یلتسین عمل کردند و چهره واقعی خود را با برآورد و تخمین خود پوشانند.

بیشترین پیروان اسلام در باشکور تستان از حامیان ایده بنیاد یک «نظم اسلامی»^۱ دور هستند. آنها سیاستمدارانی که دولت قوی و ثبات سیاسی را وعده می دهند مرجح می شمارند. مسایلی متفاوت در تاتارستان مطرح هستند؛ از جمله تاریخ اهالی آنجا به دولت تاتار شاخ زرین و دوره خان نشین کازان^۲ مربوط می گردد. برای مثال در چهارمین کنگره حزب اتفاق^۳ در دسامبر ۱۹۹۷ چنین مطرح شد: «ما آغاز مبارزه آزادی خواهانه ملی را در مقابل امپراتوری روسیه که از این پس تحت نام جهاد^۴ نامیده می شود و هدف رهایی از بردگی افراد بی دین می باشد اعلام می کنیم. ما، مسلمانان ملی گرا، مبارزه را برای ایجاد یک دولت اسلامی در تاتارستان آغاز کرده ایم» (۱۶)

روحانیون

وحدت نظری در مورد اسلام در باشکور تستان امروزه دیده نمی شود. در اوت ۱۹۹۸ یک هیأت روحانی باشقیر از اداره مرکزی دینی جدا شد و نورمحمد نعمت‌الین^۵ را به عنوان مفتی اعظم منصوب نمود. این امر خودمختاری و حاکمیت دینی مسلمانان باشقیر را دوباره تثبیت کرد. استقلال اداره دینی باشقیر که در ۱۹۱۷ بنیاد یافت طی سرکوبهای جمعی اکتبر ۱۹۳۶ از میان رفت.

در هنگام تأسیس اداره حکومتی دینی باشقیر در ۱۹۱۷، انگیزه اصلی خلاص شدن از تسلط و تحکم روحانیون تاتار^۶ بود. همان طور که بسیاری از مردم می دانند روابط بین رهبران

1. Islamic Order

2. Kazan Khanate

3. Ittifaq Party

4. Jihād

5. Nurmuhamet Nigmatullin

6. Domination of Tatar *mullahs*

مذهبی باشکورتستان و ناحیه ولگا و مفتی طلعت تاج‌الدین جدایی را در ۱۹۹۲ بدتر نمود که منجر به تعیین اداره دینی در باشکورتستان گشت. امامفتی نعمت‌الین به‌طور دائم تأکید دارد که اداره دینی وی تلاش در گردآوری مسلمانان باشقیر دارد، ولی آن امر اجتماعی‌تر و گروهی‌تر است که به واقعیت نزدیک‌تر باشد. تا ژانویه ۱۹۹۹، اداره دینی فوق، ۲۷۶ گروه مسلمان را زیر پوشش خود قرار داد که برابر با ۴۰ درصد این گروه‌ها بود. اداره مرکزی مثل سابق از اوفاکنترل و نظارت شده و تحت سرپرستی طلعت تاج‌الدین اداره می‌گردد. اداره مرکزی ۴۰ درصد جماعات و دسته‌های مذهبی را شامل شده و بقیه تحت تبعیت دوگانه قرار دارند. در مجموع ۵۱۸ جماعت مسلمان ثبت شده در باشکورتستان وجود دارند.

وضعیت ساده در تاتارستان تغییر یافته است. تا آغاز سال ۱۹۹۸، در مجموع ۶۸۶ جمعیت در اداره دینی جمهوری تاتارستان ثبت شدند و نزدیک به ۱۵۰ انجمن مسلمانان به صورت ثبت نشده در قلمرو قدرت جمهوری تاتارستان فعالیت می‌کنند. بر طبق نوشته محققان مسایل تاتارستان، این ۱۵۰ انجمن زیر نظر اداره مرکزی دینی مسلمانان به ریاست طلعت تاج‌الدین هستند. کنگره «وحدت» که در ۱۴ فوریه ۱۹۹۸ در کازان^۱ به منظور پیشقدمی و ابتکار شورای امور مذهبی وزرای جمهوری تاتارستان تشکیل گشت گاسمان ایزخاکف^۲ مفتی مسلمانان تاتارستان را به جای گابولاگالیولا^۳ انتخاب نمود. شمار کنونی انجمن‌های مسلمان در تاتارستان بیش از ۱۰۰۰ است که در حدود ۸۷۰ مورد آن ثبت شده و نزدیک به ۲۰۰ جمعیت آن ثبت نشده می‌باشند. کاملاً محتمل است که جمعیت‌های ثبت نشده به‌طور مشخص فعالیت‌های تفرقه‌افکنانه داشته باشند. به دنبال کنگره اتحاد، در حال حاضر دو اداره مسلمان به جای یک اداره مربوط به جمهوری فعال هستند و هر دو به‌طور جداگانه مدعی عنوان و موقعیت یک «اداره مرکزی جمهوری» می‌باشند. آنها کارمندان و خدمه مسجد زلنودولسکایا^۴ بوده و امام

1. Kazan

2. Gusman Iskhakov

3. Gabdulla Galiulla

4. Zelenodolskaya

جماعت آن حضرت گابولخامیت^۱ خودش را مفتی^۲ می خواند؛ همچنین مراجعه کنندگان به مسجد سابان^۳ در نابرژنی چلنی^۴ از طرف نماینده مردم، فناویل شایمردانوف^۵ که خودش را مفتی اعظم مسلمانان حنفی مذهب جمهوری تاتارستان می خواند رهبری می شوند.

لازم است اشاره شود که اولیای امور رسمی و دولتی باشکورستان حتی با وجود بروز تنش هایی مشخص حاصل از وجود دو مرکز دینی مسلمانان و به رغم وسوسه های بسیار، با برپایی یک کنگره اتحاد موافقت نکردند. رئیس جمهور مرتضی رحیم اف^۶ در عوض یک وضعیت متوازن و مشروع و ثابت را در مورد دو مرکز دینی و دو مفتی پذیرفت. آنها از توجه و مساعدت یکسان و حمایت مالی و معنوی ادارات مختلف دولتی بهره مند می باشند. هر مفتی پنجاهمین سالگرد و یادبود از فعالیت خود را در اداره دولتی جشن گرفته نشانها و مدال ها و جوایز دریافت کردند؛ تقدیرها و شناسایی رسمی مناسب نسبت به درک صحیح هر دو مفتی از اولیای امور جمهوری و توده های مردم عملی گشت. رئیس جمهور رحیم اف با وجود آگاهی از وضعیت و شرایط مسلمانان جمهوری به طور قاطع طرفدار اصل عدم دخالت در امور هر مذهبی می باشد. به اظهارات رئیس جمهور باشکورستان مبنی بر: «باشکورستان هرگز یک صحنه دفع مذهبی نبوده و ما امیدواریم در آینده نیز نباشد» اغلب توسط وسایل ارتباط جمعی استناد می شود.

در همان هنگام، او موقعیت طلعت تاج الدین را به عنوان «رهبر دینی جامعه مسلمانان روسیه» به رسمیت می شناسد و پنجاهمین سالگرد بنیانگذاری خویش را توضیح می دهد، چیزی که او در مورد آن رسیدگی کرده و جایی که او یک مفتی با هدف جماعت مذهبی دوستی به عنوان «یک واقعه مهم برای تمامی مسلمانان روسیه» معرفی می کند.

1. imam Gabdulhamit- Khazrat

2. mufti

3. Sauban mosque

4. Naberezhnyye Chelny

5. Fanavil Shaimardanov

6. Murtaza Rakhimov

چنین برخورد و رفتاری با مفتی کاملاً قابل تبیین می‌باشد. اوفا برای چندین دهه مرکز دینی تمامی مسلمانان امپراتوری روسیه و RSFSR بوده است. تداوم این نقش که دارای اهمیت بسیاری برای جمهوری است مورد نظر رهبران باشکورتستان بوده چون اعتبار و حیثیت باشکورتستان را افزایش داده و قابلیت آن به عنوان ابزاری جهت مذاکره با مرکز مورد استفاده قرار می‌گیرد. اوفا نه تنها به عنوان پایتخت یک جمهوری خودمختار فدراسیون بلکه به عنوان مرکز مسلمانان روسیه می‌تواند با مسکو مذاکره نماید.

متأسفانه این جنبه در سال ۱۹۹۲ مورد توجه و استفاده قرار نگرفت وقتی که اولیای امور جمهوری اداره دینی مسلمانان جمهوری باشکورتستان را به اداره مرکزی مسلمانان ترجیح دادند.

البته وجود اداره دینی مسلمانان جمهوری باشکورتستان لازم است اما ارزش و اهمیت جابجایی یکی با دیگری بررسی نشد چرا که جمهوری به دو اداره دینی نیاز داشت.

امروزه، برای مثال، اوفا در مذاکرات روحانیون مسلمان با زیوگانف^۱، پریماکف^۲ و دیگر اشخاص سیاسی روسیه یا با هیأت‌های نمایندگی کشورهای مسلمان نقش و جایگاهی ندارد. نخبگان مسلمان مسکو طلعت تاج‌الدین را به رسمیت نمی‌شناسند در حالی که نور محمد نعمت‌الین به عنوان یک سیاستمدار بسیار ضعیف و کم‌تجربه است. لذا، افرادی که از سوی مسلمانان داخل و خارج روسیه صحبت می‌کنند شامل راویل عین‌الدین^۳ و نفع‌الله عشیروف^۴ می‌باشند که رهبران بی‌چون و چرا و مسلم به حساب نمی‌آیند.

علاوه بر این، رئیس جمهور و اطرافیان در مورد حیثیت و اعتباری که طلعت تاج‌الدین از آن بهره‌مند است حساب می‌کنند. این واقعیت که مسلمانان جمهوری باشکورتستان

1. Zyuganov

2. Primakov

3. Ravil Gainutdin

4. Nafiulla Ashirov

تاج‌الدین را ترجیح می‌دهند از تعداد آرای مأخوذه از طرف گروه آمارگیر و پرسشگر باگسیو^۱ در تابستان ۱۹۹۷ هویداست. جواب‌ها به سؤال: «چه کسی شایسته لقب رهبر دینی است؟» به ترتیب زیر بودند: (۱۷)

مفتی اعظم طلعت تاج‌الدین ۱۸/۵ درصد، مفتی نورمحمد نعمت‌الین ۱/۹ درصد؛ اسقف نیکن^۲ ۵/۳ درصد؛ رهبر یک کیش دیگر ۲/۳ درصد؛ هیچ‌یک از روحانیون ۲۳/۷ درصد؛ بدون جواب ۴۸/۴ درصد.

چشم‌انداز آینده

مشکلات و مسایل ضعف ایدئولوژیک اسلام در باشقیریا روبه افزایش و رشد است. همان‌طور که در بالا ذکر شد سالهای اولیه پرسترویکا یک رشته جریانهای فکری ناشی از روشنفکران مسلمان به اشکال گوناگون به روسیه و باشکورتستان روانه گشت؛ زیرا که جهت‌یابی‌های جدید سیاست خارجی بین رهبران مسلمان بسیار متفاوت بود. علاوه براین، به علت نبود روحانیون مسلمان تربیت یافته و استادان برای مؤسسات آموزشی جدید مسلمانان، لازم آمد تا جوانان برای آموزش به خارج اعزام گردند.

بسیاری از آنان آموزش دیده و تربیت یافته بازگشتند. نه تنها به دانش اسلامی به‌طور حرفه‌ای و در زمینه الهیات و خداشناسی متبحر شدند بلکه با ایده‌های منحصر به فرد اسلامی و افراط‌گرایی که برای مسلمانان روسیه بسیار غریب هستند آشنایی پیدا نمودند.

این ایده‌ها به‌طور موفقیت‌آمیزی به‌منظور آموزش عملی در شماری از «مدارس مذهبی باشقیر»^۳ به کار بسته شده‌اند. هشدار و اعلام خطر بیشتر آنکه کوششهایی از طرف هیأت‌های مذهبی مسلمان خارجی برای نشر تفکر وهابیت که در واقع خصومت مذهبی و نژادی بین

1. BAGSIU

2. Bishop Nikon

3. Bashkir *madrasahs*

مسلمانان این جمهوری را شعله‌ور می‌سازد در جریان و تکاپو هستند.

به‌عنوان مثال، هشت هیأت مذهبی به نمایندگی «جامعهٔ اسلامی»^۱ لاهور پاکستان در ۱۲ اکتبر ۱۹۹۸ به دعوت انجمن مساجد مسکو به باشکورتستان آمدند. آنها به نفتکامسک^۲ و دیورتی اولیاخ^۳ رفتند و خدماتی را در مساجد ارائه نمودند. در اثنای یکی از این ملاقات‌ها، پاکستانی‌ها اظهار داشتند که دنیا به افراد مؤمن و انسانهای کافر تقسیم شده بود و با حسرت و افسوس این طور بیان می‌کردند: «روس‌های بسیاری بین شما زندگی می‌کنند... در آینده نمی‌بایست روسی در بین شما یافت شود».

بازدیدکنندگان متعهد به گردآوری و توضیح آگاهی و بینش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شدند؛ همچنین حتی مقدماتی فراهم شد تا کارکنان جدید برای واحدهای نظامی استخدام شده و مردان در اردوگاههای نظامی پاکستان برای آشنایی با شیوه‌های نظامی و ترویج ایده‌های «اسلام راستین»^۴ در نقاط آشفته آموزش ببینند.

ادارهٔ مربوط به صدور گذرنامه و ویزا این قبیل اهانت‌ها و قانون شکنی‌ها را در یک نشست با نمایندگان مطبوعات تقبیح کرده و هیأت‌های مذهبی پاکستانی از روسیه اخراج شدند. در این مورد، برخوردها به صدمهٔ بسیار منجر نشد. دیگر برخوردها آنقدر بدون مشکل و خسارت نخواهند بود؛ برای مثال، روابط اقتصادی که در آن سازمانهای اسلامی خارجی، بنیادهای خصوصی و حتی دولت‌ها جهت سرمایه‌گذاری در طرحهای مشترک اقتصادی کمک می‌کنند برقرار است؛ در حالی که سازمانهای مذهبی به عنوان واسطه‌هایی بین فراهم‌کنندگان خارجی وامها و مناطق ایفای نقش می‌نمایند.

در نتیجه‌گیری می‌بایست تأکید گردد که اسلام در باشکورتستان عاملی در جهت تنش‌های اجتماعی و عدم ثبات سیاسی جامعه محسوب نمی‌گردد. اسلام در باشکورتستان

1. Jama'at-i- Islamiyyah

2. Neftekamsk

3. Dyrtyulyakh

4. True Islam

ریشه در قرن دهم میلادی دارد و به‌عنوان رویه‌ای برای زندگی و ابزاری جهت تنظیم روابط بین اشخاص در جوامع مسلمان به‌شمار می‌آید. اسلام به‌عنوان یک نیروی سیاسی - اجتماعی که بتواند حاوی و حامل چنین پیامها و عواملی باشد مطرح نشد:

۱. قابلیت انعطاف و مدارا و اغماض در مورد عقاید تعصب‌آمیز مسلمانان؛

۲. میزان بالای سعه صدر و بردباری مردم باشقیر؛

۳. غرابت‌ها و ویژگی‌های عملکرد اسلام در سرزمین روسیه از جمله: مسلمانان در یک جامعه همراه با جانبداری از مسیحیت ارتدوکس زندگی می‌کنند، محدود نمودن عملکردهای اقتصادی و سیاسی اسلام، خط‌کشی و جداسازی ایده‌های طرز تفکر اسلامی در محیط اجتماعی مسلمانان؛

۴. برنامه قانونی و منطقی راجع به مسایل مذهبی و نژادی رهبری امروز جمهوری باشکورتستان با هدف تضمین ثبات سیاسی - عمومی در منطقه.

یادداشت‌ها

1. polnyy svod zakonov Rossiyskoy imperii (PSZ RI), Vyp.1. Spb., 1830. t. 1.no.1.
2. PSZ RI, Vyp. 1. T.2, nos 823, 867, 870.
3. Materialy po istorii Bashkirskoy ASSR (MIB), ch. 1, pp.110-11; Akmanov, I. G., Bashkirskiy vosstaniya, Ufa, 1993, p.55.
4. Asfandiyarov, A.A., Religioznaya politika tsarisma v Bashkirii v period feodalizma, Bashkirskiy kray., Vyp.1, Ufa, 1991, p. 4; Kulbakhtin, N., Sergeev, Y., Religioznaya politika tsarizma v Bashkirii v XVII v., Sotsial'no-ekonomicheskoye razvitiye i klassovaya bor'ba na Yuzhnom Urale i v Srednem Povolzh'e (Dorevol'yutsionnyy period), Ufa, 1988, pp.37-38.
5. Klimovich, L. I., Islam v tsarskoy Rossii, Moscow, 1936, pp.97-109; sbornik materialov po

- musul'manstvu (Spb., 1899), pp.46-47.
6. Saidbaev, T. S., Ukaz. soch, p.124; Khrestomatiya po istorii Bashkortostana, ch. I, Ufa, 1996. pp.160-61; Rudenko, S.I., Bashkiry. Opyt etnologicheskoy monografii, ch. II.-L, 1925. p.314; Georgi, G., Opisanie vsekh obitayushchikh v Rossiyskom gosudarstve narodov, Spb, 1799, ch.2. 107; Inan Abdulkadir. Baskurt Turklerinde Samanizm kalintilari, Turk Folklor Arastirmalari, 1965, IX, no.191.
7. Khisametdinova, F. and Zaripova, Z., «Terminy bashkirkoy demonologii», Sovetskaya tyurkologiya, no.4, 1987, pp.46-51.
8. Usmanova, M. G., Imya Chyey zemli. Istoriko-lingvisticheskoye issledovaniye toponimii basseyna reki Sakmar, Ufa, 1994, pp.95-97; Akhmerov, R.B., Naskal'nyye znaki i etnonimy bashkir, Ufa., 1994, pp.31-33.
9. Absalyamov, Y. and Yunosova, A., Urshak. Novaya i staraya istoriya urshkamintsev, p.32; Tekushchiy arkhiv Soveta po delam religiy pri KMRB, Informatsionnyye otchety, 1960-63.
10. Akhmerov, R. B., Ukaz soch, p.37.
11. Basilov, N. V., Kul't svyatykh v islame, Moscow, 1970; by the same author, Dva varianta sredneaziatskogo shamanstva: (Etnog. materialy kak istochnik dlya izuch. etnich. istorii regiona), Problemy etnogeneza i etnicheskoy istorii narodov Sredney Azii i Kazakhstana, Moscow, 1988, pp.34-36; Bulatova, A. G., Traditsionnyye prazdniki i obryady narodov Dagestana (XIX- nach. XX v.) (avtoreferat dissertatsii): Moscow, 1989; Dorzhenov, S. V., Rasprostraneniye islama v Kirgizii i ego sovremennoye sostoyaniye (avtoreferat dissertatsii), Moscow, 1964; Karmysheva, B. Kh., Ocherki etnicheskoy istorii yuzhnykh rayonov Tadzhikistana i Uzbekistana, Moscow, 1976; Mukhiddinov, I., Relikty doislamskikh obychayev i obryadov u zemledel'tsev Zapadnogo Pamira

(XIX- nachalo XX v.), Kn. 1. Dushanbe: Donish, 1989; Stebleva, I.V., «Sinkretizm religiozno - mifologocheskikh predstavleniy domusul'manskikh tyurkov» Narody Azii i Afriki, Moscow, 1989, no.4, pp.51-56.

12. Yanbukhtina, A. G., Narodnye traditsii v ubranstve bashkirskogo doma, Ufa, 1993, pp.53, 81;

By the same author, «Rodovoy znak kak geneticheskaya pamyat' v tvorchestve sovremennykh khudozhnikov Bashkortostana», Rampa, 1996, nos 10/11, pp.22-23.

13. Malashenko, A. V., Religiyu prevrashchayut v orudiye etnopoliticheskikh konfliktov, Rossiya i musul'manskiy mir, 1995, no.6, pp.30-34; Massanov, N., Kazakhstan: etnicheskoy aparteid i novaya gosudarstvennost, Rossiya i musul'manskiy mir, 1995, no.3, pp.3849.

14. Materialy i Vserossiyskogo soveshchaniya Obshchestvenno - politichaskogo dvizheniya «Soyuz musul'man Rossii», Unpublished, personal archives of the author.

15. Izvestiya Bashkortostana (Ufa), 1 Mar.1996.

16. Mukhametshin, R., Islam v obshchestvenno - politicheskoy zhizni Tatarstana, Etnichnost' i konfessional'naya traditsiya v Volgo- Ural'skom regione, Moscow, 1998, p.26.

17. Yunosova, A.B., Islam V Bashkortostane, Ufa, 1999, p.256.